

«هو الحکیم»

عنوان:

تبیین قاعده‌ی لطف در ضرورت ارسال حجت الهی



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسَجِبِ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

يك كتابي من حدود چهار پنج سال پيش چاپ کردم؛ ۶ جلد هست؛ يك جلدش چاپ شده؛ مناظره‌ای بوده پیرامون ضرورت حجت الهی.

یعنی جمعی از افراد بودن که بعضی‌ها اعتقاد نداشتن، شیعه نبودن؛ و ده نفر بودن، ده نفر پزشک متخصص بودن. ما با این‌ها بحث‌هایی داشتیم، مطالب ضبط شده پیاده شده، به این صورت شده این کتاب. در صفحه‌ی ۷۱ از این کتاب، بحث به این‌جا رسیده که اون‌جا ما گفتیم: «آنچه به حکم عقل بر حضرت حق ضرورت دارد، نشان دادن راه هدایت است.

پس از آن انسان‌ها به دو گروه شاکر و کفور تقسیم می‌گردند و پیداست که نمایاندن راه‌های هدایت، اولی و مایه‌ی اتمام حجت است.» خب بالاخره وظیفه‌ی خدا چیه؟ اتمام حجت هست، انسان مختار هست. لَهُ أَنْ يَفْعَلَ، لَهُ أَنْ لَا يَفْعَلَ! فعلی رو انجام بده فعلی رو ترك بکنه. اگر قرار بود به زور انجام بده که اصلاً نبی نبود که! مجبور بودن، انسان موجود مختار هست. خب بر خدا چیه؟ اتمام حجت هست. همچنان که مرحوم آقا شیخ مجتبی قزوینی گفتن عقل هم داده! خب يك نفر می‌خواد به عقل عمل نکنه، این‌جا دیگه گیر خدا چیه؟ تقصیر خدا چیه؟

دوست داره جنایت بکنه! به حکم عقل عمل نکنه! به مستقلات عقلی عمل نکنه! بعد جناب آقای دکتر رشیدی می‌فرمایند: «به نظر می‌رسد در خور حکمت خداست که عواملی را برای نزدیکی بندگان به خودش و هدف خلقت‌شان قرار دهد». خب بالاخره اگه خدا حکیم باشه، باید يك کاری بکنه که این‌ها تقرب به خدا پیدا بکنن! این‌جا نکته‌ای که من تو اون جلسه عرض کردم این هست که: «این سخن اشاره به قاعده‌ی لطف دارد که میراث عدلیه است». عدلیه، هم شیعه رو می‌گن هم معتزله رو می‌گن از اهل تسنن. بعد ایشان سؤال کردن جناب آقای دکتر ضمیری که قاعده‌ی لطف رو توضیح بدیم و چگونه بر ضرورت حجت الهی دلالت داره؛ محل بحث این قسمت هست؛ اون‌جا من در توضیح آوردم که: «بر اساس قاعده‌ی لطف، گماشتن نبی یا امام، لطف است». اینکه پیامبر بفرسته، امام بفرسته، خود این مسئله، لطف هست از ناحیه‌ی خدا. لطف بر خدا واجب هست! حالا چرا؟ این رو توضیح دادم. پس گماشتن نبی یا امام بر خدا واجب هست. بعد توضیح دادم لطف یعنی چی: «بخشش و موهبتی است که در پرتو آن سبب پیروی از دستورات خداوند فراهم می‌آید و زمینه‌ی دوری از گناه آماده می‌شود». لطف يك موهبت و لطفی هست از ناحیه‌ی خدا که به سبب اون فرد به سمت هدایت و اطاعت پروردگار و دوری از معصیت و تمرد خدا قرار می‌گیره. يك عاملی هست يك واسطه‌ای هست.

«بی‌گمان، نصب نبی و امام از سوی پروردگار از این ویژگی برخوردار است. زیرا تردیدی نیست که اگر در میان مردم شخصی باشد که برای برپایی علم و عدالت در جامعه بکوشد، به مردم آگاهی بدهد و عدالت را برقرار بکند و با هرگونه ظلم و فساد و جهل بستیزد و مردم را به انجام وظایف الهی‌شان وا دارد و از ارتکاب گناهان باز دارد، زمینه برای رویکرد آنان به اطاعت الهی و پرهیز از گناهان، آماده‌تر و مقدمات صلاح و رستگاری بشر فراهم می‌شود».

یکی از مسائلی که افراد در دنیا جنایت می‌کنند، ظلم می‌کنند، نداشتن علم و آگاهی هست! جهالت هست! خیلی از این مسائل جهالت هست! شما ببینید ادیان مختلفی هست که در دنیا حدود بیش از سیصد نحله و فرقه و دین در هندوستان هست فقط! بیش از سیصد تا! نگاه می‌کنی طرف دکتره‌ها! در مقابل بت سجده می‌کنه! به گاو احترام می‌ذاره! دکتره‌ها! یعنی در پزشکی‌ها! این دکتر هست در جهت پزشکی علم داره، ولی در جهت مسائل اعتقادی جاهل هست! نادان هست! این همه کشتارها، فرض کنید جریان داعش، جریانات مختلف، حالا اون بالاها غرض و مرض داشتن، این پائین‌ها گاهی وقت‌ها این‌ها جاهل بودن! این قدر این مخش شست‌وشوی مغزی دادن گفتن این کار رو انجام بدی می‌ری بهشت!

يك قاشق هم همراهش بوده كه آگه رفتی اونجا با پیامبر می تونی
بخوری!

آگه بنا باشه بری پیامبر اونجا بهت قاشق می دن دیگه! گیر يك
قاشق كه نیست! يك قاشق هم همراهش می گذاشتن!
بعضی ها فكر می كنن جك هست ولی واقعیت هست! داریم ما!
اینها به خاطر جهل هست!

حالا آگه يك نفر باشه درست حسابی؛ گفتیم امام علیه السلام وقتی
تشریف میارن، علم رو چقدر گسترش می دن! معرفت رو چقدر
گسترش می دن؛ خب این زمینه‌ی بسیاری از انحرافات از بین می ره.
«گماشتن نبی و امام از سوی خداوند لطف است و لطف بر
خداوند واجب، زیرا ترك آن موجب اخلاص در هدف آفرینش است.
هدف خداوند از آفرینش انسانها، بندگی و فرمان برداری و پرهیز از
گناهان است. چنانچه لطف انجام نگیرد این هدف برآورده نخواهد
شد و نقض غرض یعنی خلاف هدف و منظور عمل کردن، از
خداوند حکیم زشت و ناپسند است».